

وسواس از دیدگاه اسلام و قرآن

در اسلام که بیش از هر دین دیگر تکلیف و امر و نهی دارد، یک رشته اصول یا قواعد عملی وضع شده است که حوزه عمل و حتی فکرافراد را در قالب معقول، قابل فهم و قابل عمل تعیین می‌کند و آنها را از غلتیدن در وسواس فکری و عملی دست را بی باز می‌دارد. وسواس در عمل از قبیل شک در طهارت، نماز، وضو، غسل، حلال و حرام بودن خوردنی‌ها، انجام گرفتن یا نگرفتن کاری. درست بودن آن، پاک و مبرا بودن دیگران از گناه و خطور افکار زشت و ناپسند در دل، از جمله مواردی است که عالمان دین و مراجع تقلید با استنباط از قرآن مجید و احادیث همواره در تبیین آن کوشیده‌اند. لفظ وسوسه " که ذکر آن در قرآن مجید نیز آمده است از دیدگاه علمای مذهبی به معنی " بسیار وسوسه کننده " است. در زبان‌های عربی و فارسی نیز به نوعی اندیشه و محتوای ذهنی ناخواسته و نامطلوب دلالت می‌کند. در قرآن کریم کلمه وسواس و کلماتی از این ریشه در پنج جا آمده است. در سوره اعراف، آیه ۲۰، سوره طه، آیه ۱۲۰ (به صورت افسوس)، و در همین سوره آیه ۴ به صورت (الوسواس) آمده است و معنی ظاهری آن در قرآن " خیال یا فکر ناشایستی است که شیطان در قلب انسان می‌افکند " .

دیدگاه مراجع تقلید در مورد وسواس و چگونگی مبارزه با آن :

دیدگاه علمای مذهبی و مراجع بزرگ تقلید در این مورد منبعت از دیدگاه قرآن که کاملترین و بزرگترین گفتارهاست می‌باشد. در کتاب معراج السعاده آمده است : " بعد از اینکه ضررهای ناشی از این بیماری را که باعث ایجاد مشکلات عدیده‌ای در زندگی فرد می‌شود را دانستی، لازم است در صدد معالجه آن برایی و نفس خود را از چنگ آن برهانی "

امام خمینی در کتاب معروف چهل حدیث، شرح حدیث بیست و پنجم را اختصاص به وسواس داده است. در ادامه اشاره به حدیثی می‌نماید " عبدا، بن سنان گوید ذکر کردم برای حضرت صادق، مردی را که مبتلا به وسواس در وضو و نماز و گفتم : " او مرد عاقلی است " حضرت فرمود که چه عقلی برای اوست و حال آنکه پیروی شیطان می‌کند ؟ " گفتم به آن حضرت " ، چگونه پیروی شیطان می‌کند ؟ فرمود " از او سوال کن اینکه می‌آید او را چه چیز است آن ، پس همانا می‌گوید ، از عمل شیطان است. ا ". امام خمینی در ادامه

می‌گوید: “ بدان که وسوسه و شک و تزلزل از خطرات شیطان و القائنات ابلیس است که در قلوب مردم می‌افکند، چنانچه آرامش و یقین و ثبات از افاضات رحمانیه و القائنات ملکیه است.”

در کتاب وسائل الاشیعه، ج از امام صادق نقل شده است، “ به خدا سوگند وضوی پیامبر جز آن نبود که به هر عضوی یک بار آب می‌ریخت.” هم چنین آن حضرت می‌فرماید؛ یک بار شستن واجب، دوبر بار شستن کاری است بی پاداش و سه بار شستن بدعت و نوآوری است.” در تأیید این گفته در کتاب اصول کافی از قول پیامبر، اکرم می‌فرماید “ هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش دوزخ جای دارد.” امام خمینی در ادامه مطلب در بیان این‌گونه افراد و سواسی می‌فرماید: “ در این صورت، این شخص جاهل و سواسی که بیشتر از ده مرتبه غسل و محل وضو را می‌شوید، و در هر مرتبه با دقت آب را به تمام اعضائی می‌راند، به نحوی که اول محل را خوب تر و خیس می‌نماید که آب جریان تام پیدا کند با غسل شرعی حاصل شود و بارها این عمل را تکرار می‌کند، باید پرسید برچه اساس این کار را انجام می‌دهد به، آیا این نوع وضو گرفتن و غسل کردن مطابق کلام حدیث یا فتوای فقیه دین است؟ باید پرسید این نوع وضو گرفتن، غسل کردن و استحمام نمودن از کجا آمده است که باید چنین و چنان باشد. معلوم است فقها و مراجع تقلید چگونگی آداب مذهبی را از کتاب قران، سنت و اجماع بدست می‌آورند. پس وقتی که ما به کتب فقها مراجعه می‌کنیم، این‌گونه اعمال و رفتار و سواسی که باعث اسراف می‌گردد، مردود و تکذیب شده است. حتی بعضی از این اعمال و سواسی باطل محسوب شده است. پس چگونه شده که بیست سال یا بیشتر این بدعت باهم چون وض

وی باطل نماز کرده است در حالی که در این مدت طولانی شیطان با اوبازی کرده و نفس اماره بالسوء اورا گول زده است. در سوره مائده آیه ۶: خداوند طی بشارتی به اهل ایمان چگونگی وضو گرفتن را توضیح می‌دهد، سپس می‌فرماید: اگر آب نیابید یا در استعمال آب ضرری ببینید در این صورت به خاک پاک و پاکیزه تیمم کنید و سپس چگونگی انجام تیمم را شرح می‌دهد و در پایان آیه می‌فرماید: خدا هیچ‌گونه سختی برای شما قرار نخواهد داد. . . .

مکارم شیرازی در تفسیر نمونه در توضیح قسمت پایانی آیه اشاره می‌فرماید که: برای اینکه روشن شود هیچ‌گونه سختگیری در دستوران گذشته (وضو، غسل، تیمم) در کار

نبوده، بلکه همه آنها به خاطر مصالح قابل توجهی تسریع شده است می‌فرماید: خداوند نمی‌خواهد شما را به زحمت افکند، بلکه می‌خواهد شما را پاکیزه سازد و نعمت خود را بر شما تمام کند تا لباس شکر او را بگوئید.

طرق مبارزه با وسواس از دیدگاه مذهب و مراجع تقلید:

امام خمینی در این رابطه به نقل از یکی از معصومین، می‌فرماید: وقتی که برای قضای حاجت می‌رفتند، با دست مبارک به رانهای مبارک آب می‌پاشیدند که اگر ترش‌حی ایجاد شد، معلوم نگردد. درحالی که این افراد وسواسی که خود را مقلد او پیرو این امام معصوم می‌دانند و دانسته‌های احکام دین خود را از آن بزرگوار می‌پندارند، در وقت تصرف درامول از هیچ چیز پرهیز نمی‌کنند یا در مورد اموری که احتیاط، لازم یا رایج است احتیاط نمی‌کنند؟ و در ادامه می‌گوید: تاکنون کدام فرد وسواسی عوض یک مرتبه زکات یا خمس چند مرتبه داده است، و به جای یک مرتبه حج، چند مرتبه رفته باشد؟ یا از غذای شبه‌ناک پرهیز کرده باشد؟ امام خمینی در ادامه مطلب اشاره می‌فرماید “ و اگر در مورد رفتار وسواسی‌اش پرسیده شود، جواب می‌دهد می‌خواهم با طهارت واقعی نماز بخوابم، باید گفت: اگر اهل طهارت واقعی هستی، چرا اهل اهلیت واقعی نیستی. اگر فرضاً که طهارت واقعی می‌خواهی کسب کنی، آیا ده مرتبه در آب کر و جاری شستشو کردن چیست؟

با آنکه در آب جاری یک مرتبه و در آب کر، در غیر بول یا بعضی نجاسات دیگر، یک مرتبه و در بول علی‌المشهود یک مرتبه کفایت می‌کند و دو مرتبه اجماعاً کافی است، پس چندین مرتبه شستن چیزی جز وسوسه شیطان نیست. هم چنین امام خمینی در ادامه می‌فرماید: پس ای عزیز، اکنون که معلوم شد عقلاً و نقلاً این وسواس شیطانی است و این خطرات از عمل ابلیس است که اعمال ما را باطل و به شکل دین، شما را از دین خدا خارج می‌کند و بالاخره بیم آن است که با عقاید شما بازی می‌کند، پس باید هر طور شده است درصدد معالجه آن برآیی

در ادامه امام خمینی، می‌فرماید: یک راه آن است که فرد با مراجعه به علما و فقها وسواس از آنها اطمینان پیدانماید که آیا این گونه رفتارها ناشی از وسواس است یا از دین و مذهب، زیرا در بسیاری از مواقع فرد وسواسی از حالت بیماری خود بی‌خبر است و اعمال خود را از سر دینداری و حتی دیگران را بی‌مبالا می‌داند. درحالی که این گونه اعمال از القاءات شیطان است. زیرا که علما و فقهای که فرد وسواسی در امور دین از آنها تقلید

می‌نماید، این گونه رفتارها را مقایسه با دین می‌پندارند. بنابر این نمی‌توان گفت که علما و بزرگان دین نسبت به دین خدا بی‌مبالا هستند و تنها این شخص و سواسی است که مقید به دیانت است. بنابر این پس از این که فرد و سواسی علماء فهمید که رفتارهای او نه از سر دینداری است بلکه ناشی از نوعی بیماری و القائات شیطانی است لام است جهت اصلاح وارد عمل شود. کار مهم در این خصوص بی‌اعتنایی و تقرب و دعا و نیایش در درگاه خداوند است. مثلاً اگر فرد، مبتلا به و سواس دروضواست باید به رغم و سوسه شیطان که او را وادار به اسراف در آب می‌کند فقط یک غرفه آب استعمال کند. لابد شیطان او را و سوسه می‌کند و به او می‌گوید که این عمل (یعنی یک بار شستن) کافی نیست! پس جواب او را به همه که اگر عمل من درست نیست، پس باید عمل و رسول خدا و ائمه معصومین که قریب سیصد سال وضو به این شکل ساختند نیز باطل باشد. بگذاری عمل من نیز باطل باشد. خداوند از من مواخذه نمی‌فرماید و برخی بیش از این حجتی نیست. امام خمینی “ می‌فرماید: البته وقتی فرد مدتی با این و سوسه‌ها مضایقت و مخالفت و بی‌اعتنایی کرد حالت ثبات طمانینه پیدا می‌شود و شیطان از او بریده می‌شود.

نقش اصول شش‌گانه فقهی در کنترل و پیشگیری از و سوسه‌های فکری و عملی در اسلام، اصول فقهی از جمله اصولی هستند که مجتهدین اعلم مبنا و پایه اصلی آنها را از آیات قرآن و سایر احادیث وارده از ائمه معصومین گرفته و در صورت نیاز، جهت جامعه مسلمین از آن استفاده می‌شود. این اصول در زمینه‌های زیادی از جمله در اعمال عبادی و غیره قابل استفاده است و تنها محدود به موارد خاص نظیر نماز، روز، آداب شستشو، وضو و غسل،،،، نمی‌گردد.

۱) اصل عدم حرج: این اصل بیان می‌دارد که فرد در اجرای احکام این در حد توانش مکلف می‌باشد. زیرا صاحب دین که ندارند مهربان است کسی را به رنج و مشقت نمی‌افکند. به عنوان مثال اگر فردی نیاز به غسل داشته باشد و تنها آب سرد در اختیار داشته باشد. با توجه به این اصل، از غسل کردن در آب سرد که ممکن است باعث مشکلاتی برای او گردد، مصاف خواهد شد. لذا با استفاده از اصل عدم حرج بیمار و سواسی نیازی ندارد که ساعت‌ها در حمام جهت غسل خود را به زحمت بیاندازد.

۲) اصل برائت: با کمک این اصل افراد تنها موظف به اجرای احکام الهی آن طور که از قرآن، احادیث یا مراجع تقلید دیده یا شنیده‌اند، می‌باشند و بیش از این، انتظاری بر آنان

نیست. بنابر این بیمار وسواس پس از یک بار وضو گرفتن می‌تواند تعیین پیدا کند که وضویش صحیح است و می‌تواند نمازش را بدون دغدغه بخواند و لازم نیست بارها و بارها وضو بگیرد، زیرا طبق اصول شرع پس از یک بار وضو گرفتن می‌توان نماز را خواند.

(۳) اصل حساسیت، این اصل بیان می‌دارد مسلمین می‌توانند به هر چیزی و هرکاری با چشم مجاز، مباح، بلا مانع و آسوده نگاه کنند مگر آنکه حرام بودن آن در این محرز شده باشد. لذا بیمار وسواس می‌تواند خود را در انجام هر کاری در ارتباط با امر نماز، شستشو و وضو را که از طرف مرجع تقلید حرام محسوب نگردیده است، مجاز بداند.

(۴) اصل طهارت: طبق این اصل هر چیز که در تجش بودن آن شکی است، تا زمانی که نجاست آن ثابت نشده پاک است. امام صادق فرمود: هر چیز پاک است تا زمانی که ناپاکی آن بر تو ثابت گردد.

(۵) اصل استحباب: این اصل بیان می‌دارد هرگاه در امر فرایض دین دچار شک و تردید گردید. لازم است شک را نادیده بگیرید. حضرت علی می‌فرماید "خواب در تعیین بهتر از نماز در شکی است" یا وضو داشته، داشت چرم می‌برد نمی‌دانم به حدی رسید که خوابم برده باشد و وضویم باطل شده باشد یا نه، با کمک این اصول می‌توان شک را نادیده گرفت و نماز را خواند. "فلان نقطه از زمین یا لباس پاک بود، خون یا ادرار یا آب نجس ترشح کرد، نمی‌دانم به آن نقطه رسید و آنجا نجس شد یا نه، در اینجا نیز اصل بر نادیده گرفتن شک خواهد بود

(۶) اصالت صحت عمل غیر: با کمک این اصل جامعه مسلمین می‌تواند با دیگران به آسانی داد و ستد و معاشرت داشته باشند. زیرا همه اعمال و رفتار فردی و اجتماعی آنها را از تهیه اطعام، خرید و فروش، قرار داده، و غیره را می‌توان سراسر پاک و درست پنداشت مگر آنکه دلیل برخلاف آن وجود داشته باشد. مثلاً می‌توان لباسی را که دیگران شسته‌اند پاک دانست. می‌توان را که بریده‌اند، حلال تلقی نمود، از غذایی که دیگران فراهم کرده‌اند، استفاده کرد یا عقدی را که خوانده‌اند، صحیح دانست.